

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ - جرمنی

"گوهر حقیقت"

دوبیتیها، رباعیات و غیره

(بخش هفتم)

نوای غربت

در میان جمع گمراهان وطن گم کرده ام
هم وطن گم کرده ام هم خویشتن گم کرده ام
یک جهان در د و غم است و من درین ماتم سرا
خانه و کاشانه و باغ و چمن گم کرده ام

کابل سیهروز

نه باغ و نی چمن و نی فضای آرام است
فغان و درد و غم و ماتم است و آلام است
ندیده ای تو مگر روزگارِ ظلمانی؟
که روز روشن کابل سیه تر از شام است

آرزوی صلح و نوروز باستان

سال نو سال امید و آرزوهای نوین
سال صلح ملت و آسایش افغان زمین
بر طفیل سید والا و ختم المرسلین
گر خدا رحمت کند بر حال ما مستضعفین

شنیدن حقیقت تلخ است

ز بس مردم به گودال فریب و کذب لغزیدند
ندارد گوش شان تاب و توان حرف و نشنیدند
حقیقت نکته ای تلخ است ای کاش از نمی گفتم
یکایک دوستانم از من بیچاره رنجیدند

صلح یا جنگ؟

لویه جرگه لویه خُدعه لویه بم لویه تشهیر، لویه تعزیر، لویه غم
تا چه باشد بعد ازین در ملک ما لویه صلح و یا که جنگ دمبدم

یادگاری از کارِ طالب

خویشتن را کُشتن و بیگانه را یک قلم قباله دادن خانه را
لکه ننگ است و جالب بوده است یا الهی کارِ طالب بوده است

فرزانیگی

آتش تبعیض را دامن زدن دیوانگیست لطف و احسان و مروت داشتن فرزانیگیست
دستگیری کردن مستضعفان باشد بجا مورچگان را زیر پا کردن ز نامردانیگیست

گلشنِ رضوان

گر تو افغانی چرا این مملکت ویران شود باید از رویِ محبت گلشنِ رضوان شود
جای تو ای قاتل اندر نارِ دوزخ بوده است هرکه آدم می کُشد در آتش سوزان شود

مقصد و ارمان

چون وطن بهتر ز جسم و جان ماست جسم و جانِ ما و پنداران ماست
مشورت باشد دواي درد ما لویه جرگه مقصد و ارمان ماست

ایا برادر چنین است؟

خداوندِ کریم حق المبین است به یک سو آسمان یک سو زمین است
برادر می کشد بیخ برادر برادر با برادر اینچنین است

بهار ما

بس جفای روزگاران دیده ام هجرت و لیل و نهاران دیده ام
من به جای لاله در فصلِ بهار خون و اشک و آه و افغان دیده ام